

سبقت‌گامی و بزرگویری علی‌ه السلام

در نقطه غدیر توقفی باید، که با حقیقت انسان سروکار دارد. هزار و چهارصد سال است که شیعه زلال پر برکت غدیر را به پای درختان ولایت می افشاند، و از آن بیابان خشک باغهای پر ثمر اعتقادی و گلهای زیبای محبت را پرورش می دهد.

آغاز پانزدهمین قرنی است که شیعه با حجتی قوی و برهانی قاطع که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دستش داده، پرچم بلند « اشهد ان علیاً ولی الله » را بر افراشته و از مرزهای اعتقادی خویش پاسداری می کند.

عید غدیر از بزرگترین اعیاد مسلمین است. رسول گرامی اسلام در آخرین سال عمر شریفشون فراخوان عمومی دادند و بعد از اتمام حج، علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان ولی مردم به مردم معرفی کردند و از همگان بر این ولایت بیعت گرفتند. خوبه که در مورد ولایت بیشتر با هم صحبت کنیم و ببینیم ولایت یعنی چه و دیدگاه ما نسبت به اون چگونه است؟

بهتره برای نزدیکتر شدن به مطلب از واژه ولایت شروع کنیم. اگر از شما بپرسند که ولایت یعنی چه؟ شما معمولاً جواب می دین یعنی داشتن سرپرست، صاحب اختیار و داشتن ولی. و وقتی کلمه ولی را می شنوید به یاد والدین خود می افتید چرا که اول باری که با کلمه ولی آشنا شدید فکر می کنم تو مدرسه بوده باشد. یادم می آید وقتی تو مدرسه بار اولی که بغل دستیمو اذیت کردم و ضمناً تکالیفم را بخوبی انجام نداده بودم و اتفاقاً همون روز معلم ازم درس پرسیده بود بلد نبودم معلم مرا به دفتر فرستاد و آقای مدیر برگه ای به من داد و گفت فردا با ولایت بیا مدرسه. من اون روز نمی دونستم ولیم کیه؟ وقتی به خونه اومدم و از مادرم پرسیدم اون گفت ولی یعنی پدر یا مادرت یعنی صاحب اختیارت.

پس ولی، ما را یاد والدین مون می اندازه که هم چین بی ربط هم نیست. اگه ریشه کلمه را هم بررسی کنیم می بینیم ولی، والدین، اولیاء، ولایت، تولی و... همه هم خانواده و تقریباً هم معنای هم هستند. اما ولایت یعنی چه؟

ولایت یعنی سرسپردگی به ولی، یعنی اطاعت امر ولی. وقتی ولی یعنی صاحب اختیار. ولایت یعنی این که شما اختیارت را بدست این ولی بدی و از اون اطاعت کنی. حالا که معنی ولایت رو پیدا کردیم ببینیم آیا همه این ولایت را پذیرفته اند یا نه؟ و هر کس به ولی خودش چگونه نگاه می کند.

بهتر اینه که اول ولایت پذیری را از منظر فرزندان بررسی کنیم. مثلاً بچه ای که ولایت پدر را پذیرفته خوب، مجبوره هر امری، هر قانونی، هر دستوری که پدر تو خانه می ده گوش کنه... ساعت ۹ بخواب، مسواک بزن، حمام برو، وسایلت را جمع کن، تختت را مرتب کن، این غذا را بخور، آن غذا را نخور از این ساعت تا این بازی کن و... و خوب این که خیلی سخته همش باید حرف گوش کنی و اطاعت کنی.

پس از دیدگاه بعضی از بچه ها ولایت پذیری می شود تحکم پذیری، دستور پذیری و چون تحکم پذیری نوعی تکلف محسوب می شه و در ظاهر از آزادی آدم می گیره لذا از پذیرش آن سرباز زده و از زیر بار مسئولیتش شانه خالی می کنه و برای راحتی خودش یک نه می گه و خودشو راحت می کنه پس ولایت پدر را قبول نکرده و آن جوری زندگی می کنه که خودش می خواد. حالا به چه مشکلاتی روبه رو می شود رو دیگه خودتون حدس بزنید.

حالا می شود این سوالات را از افراد مختلف پرسید:

- ۱ - ولی شما چه کسانی هستند؟
 - ۲ - وقتی شما کلمه ولی یا ولایت را می شنوید چه چیزی در ذهن شما نقش می بندد؟
 - ۳ - از کلمه والدین چه چیزی به ذهن شما می رسد؟ آیا پدر و مادر یعنی اینکار را بکن این کارو نکن؟
 - ۴ - آیا پدر ایده آل پدری است که اصلاً امر و نهی نمی کند؟
 - ۵ - به نظر شما چقدر و در چه حوزه هایی (درس خواندن، دوست یابی، غذا خوردن، لباس پوشیدن، و ...) پدر و مادر حق دارند امر و نهی کنند؟
 - ۶ - آیا فکر می کنید گوش کردن به حرف ها و قوانین آنها به نفع آنهاست یا فرزندانشان؟
 - ۷ - به نظر شما پذیرفتن ولایت پدر و مادر و این همه امر و نهی هایشان سخت است؟ بهتر نیست یک نه بگوئیم و خودمان را خلاص کنیم؟ چرا؟
 - ۸ - اگرما این طوری به ولایت و سرسپردگی نگاه کنیم آیا ولایت تحکم پذیری است یا سعادت پذیری؟
- در هر جامعه ای الهی باشد یا نباشد تو یک کشور کفر و بت پرستی آدم ایده آل و انسان مطلوب کسی است که به قوانین و ضوابط جامعه احترام بذاره. انسانی بدون ضابطه بدون قید و شرط که هر کاری دلش خواست بکند مجرم است و مطلوب هیچ جامعه بلکه هیچ کس نیست. مفهوم ولایت نه تنها در جامعه کوچکی چون خانواده بلکه در جوامع بزرگ تر مثل مدرسه و بزرگتر از آن یک اداره و بزرگ تر یک شهر و حتی در کشور نیز سرسپردگی به ولی صدق می کنه. تو خونه سرسپردگی به پدر و از جانب خانم خانه اطاعت از همسر، در مدرسه سرسپردگی به مدیر مدرسه چه دانش آموزان چه معلمان، در اداره اطاعت و احترام به رئیس اداره از جانب همه مراجعه کنندگان چه کارمندان چه ارباب رجوع در محیط شهر رعایت قوانین و سرپیچی نکردن از آن و در کشور نیز همین. پس در زندگی که متشکل از همه این جوامع است می بایست نسبت به همه قوانین سرسپرده و ولایت پذیر بود. حال گزارشی تهیه کنیم و از پدرها و مادرها سوال کنیم:

- ۱ - شما چند فرزند دارید؟
- ۲ - آیا شما در خانه به تربیت فرزندانتان اهمیت می دهید؟ چرا؟
- ۳ - چرا اجازه نمی دهید فرزندانتان به دلخواه خود عمل کنند (درس بخوانند یا نخوانند، تفریح کنند، ورزش کنند...)

۴- اگر بچه ها به توصیه شما عمل نکنند چه می کنید؟ (رهایش می کنید یا شیوه ای جدید بکار می گیرید)

۵- این تغییر شیوه و تفهیم صلاح و فساد فرزندان را تا کجا ادامه می دهید؟ چرا؟

۶- آیا انجام وظایف و مواردی که شما در خانه تعیین کرده اید به نفع شماست یا به نفع فرزندان شماست؟

۷- چرا اجازه نمی دهید بچه ها آن طوری زندگی کنند که خودشان دوست دارند؟

۸- اگر این طوری به ولایت نگاه کنیم به نظر شما معنی ولایت تحکم پذیری (دستور پذیری) است یا سعادت پذیری؟

با توجه به این مدل و گزارشی که ملاحظه کردید، اگر فرزندی ولایت پدر را بپذیرد از دیدگاه فرزند این کار سخت است و خوشایند او نیست. چرا که به اندازه بصیرت خود می بیند، به اندازه عقل خود می اندیشد به اندازه تجربه اندک خود احتیاط کند. او برای تشخیص مصلحت خود خیلی چیزها را در اختیار ندارد. لذا همه جوانب را نمی سنجد و صلاح کار را نمی داند. پس از دیدگاه فرزند ولایت پذیری می شود تحکم پذیری، دستور پذیری. اما اگر این موضوع را از دیدگاه پدر بررسی کنیم خواهیم دید که اگر قوانینی وضع می کند به عنوان مثال اگر می گوید مسواک بزن، شب زود به خانه بیا، متوجه دوستان باش و از این قبیل ... همه و همه بدلیل لطف و محبت پدرانه ی اوست. نه تنها برای پدر نفعی ندارد که همه ی آن به نفع خود فرزند است و باعث سعادت و خوشبختی او خواهد شد. لذا از این دیدگاه ولایت پذیری، سعادت پذیری است. آیا داشتن چنین پدری سعادت نیست؟ آیا داشتن پدری که همه ی جوانب زندگی فرزند را می سنجد بد و خوب را می شناسد و بهترین نصایح را به فرزندش می کند، در فراز و نشیب زندگی همراه اوست و دست در دست او دارد که او با امنیت زندگی کند، نعمت نیست؟ و این نعمت شکر ندارد؟

آیا به نظر شما پدر و مادر ایده ال پدر و مادری است که یک یا دو یا سه جنبه از جنبه های زندگی فرزند را توجه کند؟ مثلاً فقط به درس فرزند توجه کند و به سلامت آن توجه نداشته باشد؟ فقط به تفریح و خوراک و تأمین امکانات مادی زندگی توجه کند و به محبت و نیازهای معنوی فرزند توجه نداشته باشد؟ یا پدر و مادری که هیچ یک از جنبه ها را فراموش نکرده باشد؟ آیا داشتن چنین پدری سعادت نیست؟

حال قضاوت و پیدا کردن معنای صحیح ولایت را به عهده شما می گذاریم. خودتان در خودتان جستجو کنید، آیا دیدگاه اول را در خود می بینید یا دیدگاه دوم؟

خداوند علاوه بر پدر و مادر ولی و سرپرستی برای ما قرار داده که در رأس همه و بالاتر از همه خود خداوند، سپس رسول گرامی و سپس ائمه علیهم السلام که امر و نهی هایی دارند. مثلاً دستوراتی در ارتباط با حقوق افراد با یکدیگر و با حقوق و وظایف افراد با جامعه و... دارند، که همه ی این دستورات به نفع خود ماست و در واقع ولایت پذیری ما نسبت به ولایت و سرپرستی اولیاء دین سعادت پذیری است نه مشقت پذیری.

گرچه شاید در بعضی از موارد احساس کنیم که دچار سختی شده ایم، اما این از دیدگاه ماست که ضعیفیم و همه جوانب را نمی توانیم در نظر بگیریم و بسنجیم. اگر عمیق نگاه کنیم و بهتر اینکه از دیدگاه ولی یا شخص سومی به این امر نگاه کنیم خواهیم دید که نه تنها مشقت نیست که نعمت است و بالاترین نعمتهاست، چرا که نعمتهای مادی اعم از

مال و سلامتی گذراست. اما نعمت ولایت است که ماندنی است و باعث احیاء واقعی انسان می شود. پس بیائیم در این ایام الولایه، در این عید ولایت بیعت دوباره ای با صاحب ولایت داشته باشیم و دست بیعت به امیرالمؤمنین بدهیم و فریاد کنیم که نه فقط با زبان و دست که با دلهایمان با امیرمؤمنان بیعت می کنیم و ولایت ایشان را می پذیریم و در مقابل فرامین ایشان سر تعظیم فرود می آوریم.

اینک گوش جان بسپاریم به فرازهایی از خطبه گرانقدر غدیر که رسول خدا بعد از حمد و ثنای الهی و اقرار بندگی به ربوبیت الهی ولایت را ترسیم کرده اند و فرموده اند:

ای مردم، جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد، ضمن ابلاغ سلام حق مرا فرمود که خداوند می فرماید تا من در این مکان توقف نمایم و در میان شما بپاخیزم و به سیاه و سفید شما اعلام کنم، که علی بن ابی طالب وصی و جانشین و پیشوای شما بعد از من است. مقام و منزلت او برای من بسان مقام و منزلت هارون نسبت به موسی است با این تفاوت که بعد از من پیامبری نیست و او ولی و صاحب امر شماست، بعد از خدا و رسولش.

پس بدانید ای مردم به درستی که خداوند علی را بر شما ولی و صاحب امر قرار داد و فرمانبری از او را بر مهاجرین و انصار و پیروان مهاجر و انصار که راه نیکی را بپیمایند و بر اهل شهرها و روستاها حاضر و غایب، عجم و عرب، آزاد و بنده، کوچک و بزرگ، سفید و سیاه واجب ساخت و هم چنین بر هر موحد و خداپرستی حکم او جایز و قول او نافذ و امر او لازم الاتباع است. کسی که او را مخالفت کند مورد لعن است و کسی که به راه او رود و او را تصدیق کند مورد رحمت حق است و کسی که از او شنوایی داشته و فرمان از او برد زیر چتر غفران و آمرزش حق قرار می گیرد.

ای مردم این آخر مقامی است که در این مکان ایستاده و با شما سخن می گویم، پس بشنوید و فرمان برید و منقاد امر پروردگارتان باشید. به درستی که خدای عزوجل پروردگار شما و صاحب اختیار شما و معبود شماست؛ و بعد از او محمد صلی الله علیه و آله و سلم که الآن در جمع شما ایستاده و با شما صحبت می کند ولی و سرپرست شما است و در پس او به فرمان خدا علی ولی و امام شماست.

ای مردم با روی گرداندن از علی خود را در گمراهی گرفتار نکنید. از علی فاصله نگیرید و از ولایت و امامت او سرباز نزنید،... او معلم و آموزگار شماست، زیرا کسی که من مولای او هستم علی مولای اوست. آگاه باشید کسی را توان چیرگی و تسلط بر او را ندارد. آگاه باشید او ولی خدا در زمین و حکم و فرمان او، حکم و فرمان خداوند است. ای مردم هر کس که از خدا و رسول و علی و ائمه معصومین فرمان برد، به تحقیق که به فوزی عظیم نائل آمده است.

ای مردم سبقت گیرندگان به بیعت و ولایت علی و شناختن او به عنوان امیرالمؤمنین رستگارانند و در بهشت از نعمتهای الهی بهره مند خواهند گشت.

اینک ما با امیرمؤمنان بیعت می کنیم و خدا را بر این بیعت شاهد می گیریم و به جهت ارزانی داشتن این نعمت نعمتها و اتم نعمتها او را شکرگزاریم.

بیایید همه با هم با فرازهایی از زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر به آن بزرگوار سلام دهیم.

اَسْلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ، وَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ، وَ وَاْرِثَ عِلْمِ النَّبِیِّیْنَ، وَ وَلِیَّ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَ مَوْلَایَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِیْنَ، وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ؛

أَشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا، وَ أَقْسِمُ بِاللّهِ قَسَمَ صِدْقٍ، أَنَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ، وَأَنْتَكَ مَوْلَایَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِیْنَ، وَأَنْتَكَ عَبْدُ اللهِ وَ وَلِيُّهُ وَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَاْرِثُهُ،

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَ لَا أَحْجَمْتَ، وَ لَا نَطَقْتَ، وَ لَا أَمْسَكَتَ؛ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ،

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ، وَ عَلَى عَلِیِّ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ، وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ، وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِیْنَ، وَ بِوِلَايَتِهِمْ مِنْ الْفَائِزِیْنَ الْأَمْنِیْنَ الَّذِیْنَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُونَ.